

# سلطه جویی آمریکا در جهان اسلام

نذیر احمد سلامی  
استاد درالعلوم زاهدان

بردارد. این حرکت در اواخر خلافت اموی و اوائل خلافت عباسی آغاز گردید و در اواسط دوران خلافت عباسی به اوج خود رسید. و در همین راستا و برای همین منظور افکار فلسفی اهل یونان به عربی ترجمه و در جامعه اسلامی راه پیدا کرد. خوشبختانه کفر و استکبار در این مرحله نیز با پاسخ دندان شکن علما و اندیشمندان اسلامی روبرو شد.

مرحله سوم ستیز استکبار علیه اسلام و مسلمین را می توان در شیطنت جهان غرب بویژه در دسیسه های رویه پیر و مکار انگلیس در ایجاد اختلاف و رخنه در صفوف متحد مسلمانان جستجو نمود. متأسفانه این سناریو تا حدودی موفق از آب درآمد و در پی آن وحدت مسلمانان بهم پاشید. و تاروپود خلافت عثمانی که سمبل وحدت مسلمین و خلافت اسلامی بود از هم گسیخت. این ستیز و روند مبارزه استکبار علیه اسلام و مسلمین بی وقفه، البته در شیوه های مختلفی همواره ادامه داشته است.

اینک بعد از فرو پاشی شوروی، رهبری این ستیز را آمریکا و سردمداران آن بر عهده گرفته اند. بوش و هیئت حاکمه ی کاخ سفید با پندار تک قطبی شدن جهان و حاکم نمودن نظم نوین جهانی، در قالب سر دادن شعارهای توخالی حمایت از حقوق بشر، و ایجاد کمر بند امنیتی سعی دارند اهداف پلیدشان را که همانا رویش استکبار و ریزش اسلام است؛ جامه ی عمل ببوشانند.

اما بوش بداند و به گفته رهبران گذشته آمریکا، یعنی شانزدهمین رئیس جمهور آمریکا ابراهام لینکلن توجه داشته باشد، او می گوید: «تمام مردم دنیا را به مدت کوتاهی و بعضی مردم دنیا را برای همیشه می توان تحمیق کرد و ابله شمرد، اما تمام مردم دنیا را برای همیشه نمی توان تحمیق کرد و ابله شمرد».

آمریکا تا چه میزان می تواند به تهدیدهایش جامه ی عمل ببوشاند و با توجه به مخالفت های گسترده جهانی

حرکت های گستاخانه و متکبرانه بوش و دستگاه حاکمه ی ایالات متحده علیه کشورهای اسلامی، رویداد تازه و جریان شگفت آوری نیست.

البته کسانی که از ماهیت استکبار و ستمزدایی اسلام و از سابقه تاریخی این دو دیدگاه (اسلام و استکبار) که با هم تفاوت ماهوی دارند، نه عرضی، خبر ندارند، ممکن است حرکت های نابخردانه بوش و هیئت حاکمه ی کاخ سفید را، پدیده ی نوین و شگفت آوری توصیف کنند، اما پژوهشگران تاریخ، آن را تحولی نوین در تاریخ کفر و اسلام نمی دانند. ستیز و پیکار میان این دو دیدگاه از تاریخ تولد آنها وجود داشته است.

علامه اقبال لاهوری در این خصوص می فرماید:

ستیز کار رها هازل ستا امروز

چراغ مصطفوی سد شرار بولهبی

یعنی عداوت و دشمنی استکبار با دین مبین اسلام سابقه دیرینه دارد، این ستیز پدیده ای نوین و دور از انتظار نیست. شرح این داستان هر چند که نیاز به دقتی هزار جلدی دارد، اما موارد معدودی با مروری کوتاه جهت استفاده خوانندگان محترم تقدیم می گردد.

در نخستین دوران ولادت اسلام، روزگاری که حکومت نوپای اسلامی در جامعه مدینه تازه داشت جان می گرفت، کفر سعی می کرد با درگیری ها و جنگ های تن به تن بر اسلام و مسلمین مستولی شود. جنگ دوران حیات مبارکه رسول الله ﷺ (غزوات) نمونه بارز این مدعا هستند. استکبار بعد از شکست ذلت بار وادار به عقب نشینی شد اما از پیشرفت روز افزون مسلمانان و گسترش دامنه ی اسلام، فوق العاده ناراحت بود. سردمداران استکبار شیوه مبارزه نوینی را علیه اسلام و مسلمین به راه انداختند.

این مرحله که مرحله دوم ستیز قدرت های اهریمنی با اسلام بود، پرچم داران آن، سعی می کردند با تزریق افکار فلسفی اهل یونان و اندیشه های الحادی در اذهان فرزندان توحید، میانی اندیشه های اسلامی را متزلزل نموده با حرکتی مذبحخانه بسوی اهداف بلندش گام

جرات چنین اقدام ابلهانه‌ای را دارد یا خیر؟ سؤالی است که تاریخ آینده آن را پاسخ خواهد داد.

اما در نظر است با ذکر مواردی از حوادث تاریخی، ضمن بشارت به تمامی مسلمانانی که مورد تهدید بوش و هم پالکی‌هایش قرار گرفته‌اند، به بوش و حامیانش هشدار می‌دهیم که بازی با آتش کار خردمندان نیست، هر فرد یا حکومت که نقش کارگردانی را در این بازی ایفا کند پیش از این که به حریفانش لطمه زند کاشانه خود را طعمه حریق می‌کند، مثل معروف است:

«هرگاه موت به سراغ روباه بیاید، به شهر روی می‌آورد.»

قشر حکام کاخ سفید اگر معتقد به وجود خدا و قوانین لایتغیر و ثابت او نیستند، اغلب مردم و ملت آمریکا به خدا و سنن ثابت و لایتغیر او شاید ایمان داشته باشند، بدلیل این که روی اسکناس‌های آمریکا - دلار - این عبارت درج است «*We Trust in God*» یعنی ما به خدا ایمان داریم.

ای ملت آمریکا، خداوند همواره زنده و سنن او ثابت و لایتغیر است، نگاهی به تاریخ گذشته دنیا انداخته از انجام ستمگران درس عبرت بگیرید. و نگذارید که بوش و امثال او موجبات زبونی شما را فراهم سازند.

اکنون به حوادثی اشاره می‌شود که به لحاظ عاقبت و انجام و در دراز مدت به سود ملت‌های مظلوم و تحت ستم انجامیده‌اند، هر چند که در مبدأ نفع موهومی را برای ستمگران در برداشته‌اند:

۱- بعد از سرنگونی رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و به ثمر رسیدن نهال انقلاب به رهبری داهیانه‌ی رهبر فقید انقلاب اسلامی، دست متجاوز آمریکا از سر ملت مظلوم و مستضعف ایران قطع گردید و در اثر ماهیت ضد استعماری انقلاب اسلامی، روند اوضاع سیاسی به سمت و سویی حرکت می‌کرد که ملت‌های تحت ستم روزبه‌روز بیدارتر شده و بر میزان ستم‌ستیزی آنان افزوده می‌شد و نهضت‌های اسلامی در هر گوشه‌ی دنیا که در حالت نیمه‌جان به سر می‌بردند، جان تازه به خود گرفته و روح تازه‌ای در آنها دمیده شد. در نتیجه، آمریکا این حرکت خداپسندانه ملت شریف و مؤمن ایران را چون دژی محکم و استوار در برابر سیاست تک‌گرایی و تجاوزگری نظامی خود - حداقل - در خاورمیانه می‌دانست. بنابراین از همان روزهای آغازین در صدد برآمد تا آن را در نطفه خفه کند، اما کور خوانده بود. فکر

می‌کرد با به راه انداختن جنگ تحمیلی توسط مزدورانش بتواند به منویات و اهداف شوم خود برسد.

از خدا بی‌خبران و کسانی که فاقد یا منکر نیروی ایمان هستند همواره نگاهشان به اسباب است. و اعتنا یا اعتمادی به مسبب‌الاسباب ندارند، پیروزی را منحصر در قدرت و توان مادی می‌پندارند و از توان و تأثیر عناصر معنوی غافل‌اند. آمریکای تجاوزگر و هم‌پیمانانش قطعاً بر اساس چنین محاسبات نادرستی جنگ ناخواسته را علیه ایران تحمیل کردند و ایران اسلامی بدون این که یک وجب از خاک میهن پاک را از دست بدهد، تجاوزگران را با چشم‌گریان از سرزمین خود عقب راند «**ذلك فضل الله یوتیه من یشاء**».

اکنون بوش و سایر متجاوزگران باید بدانند که در صورت هرگونه اقدام نسنجیده علیه ایران اسلامی با همان پاسخ تلخ که در جنگ تحمیلی با آن مواجه شدند، مواجه خواهند شد.

اما انقلاب اسلامی و ملت شریف و مؤمن ایران در پی تجاوزگرهای آمریکا بیش از هر زمان دیگر متحدتر و منسجم‌تر و با داشتن نیروی ایمان و اتکال به قدرت لایزال خداوند متان توان‌اتر است. اگر آقای بوش به تقلید از سلف طالح‌اش دست به هر حرکت نابخردانه‌ای بزند، چون خر در گل می‌ماند و آنگاه فرارش اختیاری نخواهد بود.

۲- پیر مکار، یعنی انگلیس که امروز نیز نقشه‌های اهریمنی آمریکا را ترسیم می‌کند، روزگاری بود که سلطه‌اش را در اغلب نقاط گیتی به کرسی نشانده بود حتی می‌گفتند: آفتاب در امپراطوری انگلیس غروب نمی‌کند. هر چند که سلطه غاصبانه‌اش چند صباحی مستدام بود ولی در اثر تجاوزگری‌ها و خوی سلطه‌طلبی دامنه حکومتش چنان کاسته شد که امروز خود را محصور در مرزهای یک جزیره می‌بیند، و خوشبختانه در آنجا نیز با عناصر تجزیه طلب مواجه است.

۳- در جنگ جهانی دوم، هیروشیما و ناکازاکی دو شهر عمده ژاپن توسط خود آمریکا، بمباران شیمیایی شدند. این حرکت مذبح‌حانه جنایتی بود که بشریت بر اولین بار و شاید برای آخرین بار شاهد آن بوده است.

و اگر آخرین بار نباشد، تکرارش قطعاً توسط جنایت‌کارانی مانند بوش و شارون که بزرگترین تروریسم دولتی را رهبری می‌کنند صورت خواهد گرفت. اما از آنجا که خداوند یاور مظلومان است، ملت ژاپن در کوتاه‌ترین

مدت ممکن شاهد چنان رشد و پیشرفت روز افزونی در عرصه صنعتی و اقتصادی گردید که آمریکا با تمام قدرت خود، قادر به رقابت با مصنوعات ژاپنی در جهان نیست. ۴- آمریکا تجاوزگری را در ویتنام شروع کرد، از هزارها کیلومتر دور به بهانه حفظ منافع ملی خود، مردم ویتنام را مورد تاخت و تاز خود قرار داد و سرانجام با شکست مفتضحانه مجبور به فرار شد.

۵- روسیه در دوران شوروی از قدرت نظامی و توان رزمی بسیار بالایی برخوردار بود حتی در عرصه‌های نظامی گوی سبقت را از آمریکا نیز ربوده بود اما در پی حرکت‌های سلطه طلبی و حمله نظامی به افغانستان، گور خود را با دست‌های خود کند و زمینه فروپاشی اش را فراهم نمود.

بوش باید بداند که مسلمانان از تهدیدهایش هراسی ندارند و با توجه به شواهد تاریخی به ملت آمریکا گوش زد می‌شود، قبل از این که آنان فدای هوس‌های تجاوزگری بوش و بوش‌ها شوند، زمینه سرنگونی این تروریست‌های دولتی را از درون آمریکا فراهم سازند و نگذارند که هیئت حاکمه‌ی آمریکا و بوش‌ها با حرکت‌های نسنجیده و نابخردانه، مورد خشم و انزجار مسلمانان قرار گرفته و زمینه ساز نابودی ملت آمریکا شوند.

بوش یا به میان آوردن صحبت از جنگ‌های صلیبی و نشان دادن خوی و خصلت جنگ طلبی خود، متوجه این قضیه باشد، که اگر او بخواهد چنین متویاتی را عملی کند و جنگ مذهبی را به راه اندازد با خشم و احساسات مذهبی یک میلیارد و سیصد میلیون مسلمان مواجه خواهد شد و هزاران صلاح الدین ایوبی برای حفظ کیان اسلام و هویت مسلمانان ابراز وجود خواهند کرد. آنگاه تمام مسؤلیت متوجه کاخ نشینان کاخ سفید خواهد شد. بوش و حکام آمریکا از این نکته نیز غافل نباشند که با لوٹ کردن قضیه، نمی‌توانند، جریان دفاع از مظلومان و پاسداری از کیان اسلام را به بهانه مبارزه با تروریسم، کم رنگ و بی اهمیت جلوه دهند، دین مبین اسلام، بیش از سایر مکاتب و ادیان، تروریسم را محکوم می‌کند.

حتی اسلام در مصاف با دشمن به دوری و اجتناب از حرکت‌های تروریستی توصیه نموده است. اسلام در بحبوحه جنگ با دشمنان، حمله کردن به زنان، سالمندان، کودکان و تخریب منازل را جایز ندانسته و مشروعیت آن را امضا نکرده است، هر چند که میان حفظ عقیده، دفاع

از مظلوم و تروریسم تفاوت قابل است.

به هر مفهوم که به واژه تروریسم بنگریم، بارزترین مصداق آن خود بوش و شارون هستند. آیا آمریکا و اسرائیل از سازندگان اسلحه‌های کشتار جمعی نیستند؟ آیا آمریکا توسط اسرائیل در کشتار جمعی مردم فلسطین و زنان و کودکان بی دفاع بزرگترین نقش را در نقض حقوق بشر ایفا نمی‌کند و... و آمریکا در کدامین خطه دنیا مورد نفرت و انزجار مردم دنیا نیست؟ در اغلب کشورهای دنیا حتی در کشورهای اروپایی و حتی در داخل آمریکا علیه سیاست‌های تجاوزگرانه او اظهار انزجار و نفرت می‌شود. چرا چنین است؟! در یک سخن می‌توان گفت: این نفرت و انزجار معلول حرکت‌های تروریستی حکام خودسر و مغرور آمریکا است. آمریکا فکر نکند با تکرار تجربه افغانستان بتواند پایه‌های چوبینش را در خطه‌ای دیگر و در کشوری دیگر استحکام بخشد. امروزه دوران سلطه طلبی به پایان رسیده است. ملت‌های بیدار و ستم ستیز در هیچ جای دنیا سنطه بیگانگان را تحمل نخواهند کرد.

آمریکا باید بداند که قدرت تنها منحصر در ابزار مادی نیست بلکه قدرت معنوی و ایمانی که وجه تمایز مسلمانان است، بزرگترین نقش را در رویارویی نیروهای اسلام و کفر و پیروزی مسلمانان داشته است.

شمشیر بدستان فاقد ایمان و قدرت معنوی از مقابله با توپ و تانک هراس دارند و هراسیده‌اند اما مؤمنان تهدیدست از شمشیر بارها با میل و علاقه به استقبال مرگ شتافته‌اند.

آمریکا و بوش از حوادث و رویدادهای تاریخی پند نگرفته، خود را با خشم مؤمنین که بر مبنای «احدی الحسین» در هر حال خود را در مصاف با دشمنان دین پیروز و رستگار می‌دانند، مواجه نکنند. آن روز برای آمریکای سلطه طلب فوق العاده روز دشواری خواهد بود که احساس خشم و انزجار، ملت‌های مظلوم و مؤمن را پسان ۲۲ بهمن سال ۸۰ و سالهای قبل علیه سیاست‌های آمریکا به خیابان‌ها سوق دهد؛ «ذک یوم عسیر و للکافرین غیر یسیر».

به امید موفقیت ملت‌های زیر ستم آمریکا در سرتاسر جهان «و ما ذلک علی الله یعزیز».

\*\*\*\*\*

\*\*\*

\*